

## پُولس وبرنابا در ایقوئیه

**بولس وبرنابا فی ایقوئیه**

وَجَدَتْ فِي إِقْوَنِيَّةَ آثَمًا دَحَلًا مَعًا إِلَى مَجْمَعِ الْهُودِ وَكَلَمَا حَتَّى آمَنَ جُمْهُورٌ كَثِيرٌ مِنَ الْهُودِ وَالْيُونَانِيِّينَ. وَلَكِنَ الْهُودُ عِبَرُ الْمُؤْمِنِينَ عَرُوا وَأَفْسَدُوا نُفُوسَ الْأَمْمَ إِلَى الْإِخْرَوَةِ.<sup>3</sup> فَأَقَامَ رَمَانًا طَوِيلًا بِجَاهِرَانِ يَا لَرَبِّ الَّذِي كَانَ يَشْهُدُ لِكَلْمَةِ يَعْمَلِهِ وَيُعْطِي أَنْ تُجْزَى أَيَّاثُ وَعَجَائِبُ عَلَى أَيْدِيهِمَا.<sup>4</sup> فَأَسْقَى جُمْهُورُ الْمَدِيَّةِ فَكَانَ بَعْضُهُمْ مَعَ الْهُودِ وَبَعْضُهُمْ مَعَ الرَّسُولَيْنَ.<sup>5</sup> فَلَمَّا حَصَلَ مِنَ الْأَمْمَ وَالْهُودِ مَعَ رُوَسَائِهِمْ هُجُومٌ لَيَعْبُوا عَلَيْهِمَا وَيَرْجُمُوهُمَا,<sup>6</sup> سَقَرَاهُمْ، فَهَرَبَاهُمْ إِلَى مَدِيَّيَّةِ لِيكَاؤنِيَّةِ، لِسْتَرَةِ وَدْرَيَّةِ، وَإِلَى الْكُورَةِ الْمُحِيطَةِ، وَكَانَاهُنَّا يُبَشِّرَانِ.

## بولس وبرنابا فی لستره

وَكَانَ يَحْلِسُ فِي لِسْتَرَةِ رَجُلٍ عَاجِزٍ الْحَلَيْنِ مُفْعَدٌ مِنْ بَطْنِ أَمْهَوَ وَلَمْ يَمْسِ قَطُّ.<sup>9</sup> هَذَا كَانَ يَسْمَعُ بُولسَ يَتَكَلَّمُ، فَسَخَّنَ أَنَّهُ، وَإِذْ رَأَى أَنَّ لَهُ إِيمَانًا يُلْسَفِي قَالَ يَصْوِبُ عَظِيمَ: قُمْ عَلَى رِحْلَيْكَ مُتَصِّبًا، فَوَتَّ وَصَارَ يَمْشِي.<sup>11</sup> قَالَ الْجُمُوعُ لَمَّا رَأَوْا مَا فَعَلَ بُولسَ رَفَعُوا صَوْتَهُمْ بِلُغَةِ لِيكَاؤنِيَّةِ قَاتِلِينَ: إِنَّ الْأَلْهَةَ تَسْبِهُوا بِالْأَنْسَ وَنَزَلُوا إِلَيْنَا.<sup>12</sup> فَكَانُوا يَدْعُونَ بَرَنَابَا: رَفِيسَنْ، وَبُولسَنْ: هَرْقَسَنْ، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنَقَّدَمُ فِي الْكَلَامِ.<sup>13</sup> فَأَتَى كَاهِنُ رَفِيسَنْ، الَّذِي كَانَ قُدَّامَ الْمَدِيَّةِ، بِشَرَانَ وَأَكَالِيلَ عَنْدَ الْأَنْوَابِ مَعَ الْجُمُوعِ وَكَانَ يُرِيدُ أَنْ يَدْبَحَ.<sup>14</sup> فَلَمَّا سَمِعَ الرَّسُولُانِ، بَرَنَابَا وَبُولسُ، مَرَّقَا بِتَاهِمَاءَا وَأَدْفَعَا إِلَى الْجَمِيعِ صَارِخِينَ<sup>15</sup> وَقَاتِلِينَ: أَيْهَا الرَّجَالُ، لِمَاذَا تَفْعَلُونَ هَذَا؟ تَحْنُ أَيْضًا بَشَرَ تَحْتَ الْأَمْ مُتَكَلَّمُ يُبَشِّرُهُمْ أَنْ تَرْجِعُوا مِنْ هَذِهِ الْأَبَاطِيلِ إِلَى إِلَهِ الْحَيِّ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالنَّجْرَ وَكُلَّ مَا فِيهَا.<sup>16</sup> الَّذِي فِي الْأَجْيَالِ الْمَاضِيَّةِ تَرَكَ جَمِيعَ الْأَمْمَ يَسْلُكُونَ فِي طُرُقِهِمْ، مَعَ أَنَّهُ لَمْ يَنْرُكْ تَفْسِهُ بِلَا شَاهِدٍ وَهُوَ يَفْعُلُ حَيْرًا، يُعْطِيَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ أَمْطَارًا وَأَزْرَمَةً مُنْبِرَةً وَيَمْلِأُ فُلُوْنَا طَعَامًا وَسُرُورًا.<sup>18</sup> وَبِقَوْلِهِمَا هَذَا كَفَّا الْجُمُوعَ بِالْجَهَدِ عَنْ أَنْ يَدْبَحُوا لَهُمَا.<sup>19</sup> ثُمَّ أَتَى يَهُودُ مِنْ أَنْطَاكِيَّةِ وَإِقْوَنِيَّةِ وَأَفْنَعُوا الْجُمُوعَ، قَرْجُمُوا بُولسَ وَجَرْوَهُ خَارَجَ الْمَدِيَّةَ طَائِنَ أَنَّهُ قَدْ مَاتَ.<sup>20</sup> وَلَكِنَ إِذْ أَخَاطَ بِهِ التَّلَامِيدُ قَامَ وَدَخَلَ الْمَدِيَّةَ وَفِي الْعَدَ حَرَّخَ مَعَ بَرَنَابَا إِلَى دَرَيَّةِ.

## بولس وبرنابا يرجعان إلى أنطاكيه

فَبَشَّرَاهُمْ فِي يَلْكَ الْمَدِيَّةِ وَتَلْمِيذًا كَثِيرِينَ، ثُمَّ رَجَعَا إِلَى

اَمَا در ایقوئیه، ایشان با هم به کنیسه یهود در آمد، به نوعی سخن گفتند که جمعی کثیر از یهود و یونانیان ایمان آوردند.<sup>2</sup> لیکن یهودیان بی ایمان دلهای امّت‌ها را اغوا نمودند و با برادران بداندیش ساختند.<sup>3</sup> پس مدت مدبیدی توقف نموده، به نام خداوندی که به کلام فیض خود شهادت می‌داد، به دلیری سخن می‌گفتند و او آیات و معجزات عطا می‌کرد که از دست ایشان ظاهر شود.<sup>4</sup> و مردم شهر دو فرقه شدند، گروهی همداستان یهود و جمعی با رسولان بودند.<sup>5</sup> و چون امّت‌ها و یهود با رؤسای خود بر ایشان هجوم می‌آوردند تا ایشان را افتصاح نموده، سنگسار کنند، آگاهی یافته، به سوی لستره و دزبه، شهرهای لیکاؤنیه و دیار آن نواحی فرار کردند.<sup>7</sup> و در آنجا بشارت می‌دادند.

## پُولس وبرنابا در لستره

و در لستره مردی نشسته بود که پایهایش بیحرکت بود و از شکم مادر، لنگ متولد شده، هرگز راه نرفته بود.<sup>9</sup> چون او سخن پولس را می‌شنید، او بر وی نیک نگریسته، دید که ایمان شفا یافتن را دارد.<sup>10</sup> پس به آواز بلند بدو گفت: بر پایهای خود راست بایست! که در ساعت برجسته، خرامان گردید.<sup>11</sup> اما خلق چون این عمل پولس را دیدند، صدای خود را به زبان لیکاؤنیه بلند کرده، گفتند: خدایان به صورت انسان نزد ما نازل شده‌اند.<sup>12</sup> پس برنابا را مشتری و پولس را عطارد خواندند زیرا که او در سخن گفتن مقدم بود.<sup>13</sup> پس کاهن مشتری که پیش شهر ایشان بد، گاوان و تاجها با گروههایی از خلق به دروازه‌ها آورده، خواست که قربانی گذراند.<sup>14</sup> اما چون آن دو رسول یعنی برنابا و پولس شنیدند، جامه‌های خود را دربیده، در میان مردم افتادند و ندا کرده، گفتند: ای مردمان، چرا چنین می‌کنید؟ ما نیز انسان و صاحبان علت‌ها مانند شما هستیم و به شما بشارت می‌دهیم که از این اباطیل رجوع کنید به سوی خدای حی که آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنها است آفرید،<sup>16</sup> که در طبقات سلف همه امّت‌ها را واگذاشت که در طُرُق خود رفتار کنند، با وجودی که خود را بیشهادت نگذاشت، چون احسان می‌نمود و از آسمان باران بارانیده و فصول بارآور بخشیده، دلهای ما را از خوراک و شادی پر

لِسْتَرَةَ وَإِقْوَنَيَّةَ وَأَنْطَاكِيَّةَ يَسَّدَّانَ أَنْفُسَ النَّلَامِيدِ<sup>22</sup>  
وَعَطَلَانِهِمْ أَنْ يَبْيُونَا فِي الإِيمَانِ وَأَنَّهُ يَصِيبَنَا كَثِيرَةً  
يَبْتَعِي أَنْ تَذَلِّلَ مَلْكُوتَ اللَّهِ.<sup>23</sup> وَأَنَّهَا لَعْمٌ فُسُوسًا فِي  
كُلِّ كَنِيسَةٍ نُمَّ صَلَّى يَاصْوَامَ وَاسْتَوْدَاعَاهُمْ لِلرَّبِّ الَّذِي  
كَانُوا قَدْ آمَنُوا يَهُ.<sup>24</sup> وَلَمَّا اجْتَازَا فِي بِيْسِيَدَيَّةَ أَتَيَا إِلَى  
بِيْفِيلِيَّةَ، وَتَكَلَّمَا بِالْكَلْمَةِ فِي الْبَحْرِ إِلَى أَنْطَاكِيَّةِ حَيْثُ  
كَانَا قَدْ أَسْلَمَا إِلَى نِعْمَةِ اللَّهِ لِلْعَمَلِ الَّذِي أَكْمَلَاهُ.<sup>25</sup> وَلَمَّا  
حَصَرَا وَجْمَعًا الْكَنِيسَةَ أَخْبَرَا يُكَلِّ مَا صَنَعَ اللَّهُ مَعَهُمَا  
وَأَنَّهُ قَتَحَ لِلأَمَمِ بَابَ الإِيمَانِ.<sup>26</sup> وَاقْفَاماً هُنَاكَ رَمَانًا لَيْسَ  
يَقْلِيلٌ مِعَ النَّلَامِيدِ.

می ساخت. و بدین سخنان خلق را از گذرانیدن  
قریانی برای ایشان به دشواری باز داشتند.<sup>19</sup> اما  
یهودیان از انطاکیه و ایقونیه آمده، مردم را با خود  
متّحد ساختند و پولس را سنگسار کرد، از شهر  
بیرون کشیدند و پنداشتند که مرده است.<sup>20</sup> اما چون  
شاگردان گرد او ایستادند برخاسته، به شهر درآمد و  
فردای آن روز با برنایا به سوی دزبه روانه شد.

### پولس و برنایا بازگشت به انطاکیه

<sup>21</sup> و در آن شهر بشارت داده، بسیاری را شاگرد  
ساختند. پس به لستر و ایقونیه و انطاکیه مراجعت  
کردند. و دلهای شاگردان را تقویت داده، پند می دادند  
که در ایمان ثابت بمانند و اینکه با مصیبت‌های بسیار  
می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم. و در هر کلیسا  
جهت ایشان کشیشان معین نمودند و دعا و  
روزه‌داشت، ایشان را به خداوندی که بدو ایمان آورده  
بودند، سپردن. و از بیسیدیه گذشته به پیفیلیه  
آمدند.<sup>24</sup> و در پرجه به کلام موعظه نمودند و به آثالیه  
فروود آمدند.<sup>26</sup> و از آنجا به کشتنی سوار شده، به  
انطاکیه آمدند که از همان جا ایشان را به فیض خدا  
سپرده بودند برای آن کاری که به انجام رسانیده  
بودند.<sup>27</sup> و چون وارد شهر شدند، کلیسا را جمع کرده،  
ایشان را مطلع ساختند از آنچه خدا با ایشان کرده بود  
و چگونه دروازه ایمان را برای امّتها باز کرده  
بود.<sup>28</sup> پس مدت میدی با شاگردان بسر بردن.